



چند برش از گفت وگو با پدران گرم و سرد چشیده

روزگار پدری

برف پیری بر سرشان نشسته و سرد و گرم روزگار را چشیده، دختر و پسر هاروا نه خانه بخت کرده و حالا یا تنها مانده اند یا در کنار همسرشان، گذر عمر می کنند. برخی بازنشسته اند و برخی هنوز ناچار به کار هستند. وقتی با آن ها همکلام می شوی تا از خود و فرزندانشان بگویند، حرف ها برای گفتن دارند، حرف هایی که در کمتر کتابی می توان اثری از آن یافت. وقتی با چند پدر هم سخن شدم تا از تفاوت پدر های امروز و دیروز صحبت کنند به طور مثال بگویند توقع پسری یا دخترشان زیاد است؟ از هر دری سخن گفتند جز گلایه از فرزندانشان.پدری عذرخواهی می کرد که به توصیه پزشک باید کمتر صحبت کند تا ناراحتی چشمش، بیشتر نشود ولی با همان حال، پشت میز چرخ خیاطی به سوزنی چشم دوخته بود که حاشیه پیراهن مشکی را می شکافت و می گذشت. او چیزی نمی گفت؛ ولی با همین سکوت، بارم را سنگین تر می کرد، سنگین تر از همه شنیده هایم در این چندروز.

چشم و همچشمی

کلاه سیدی بر سر دارد و در گوشه ای از بازار قدیم بیرجند، در انتظار مشتری است؛ تا می گویم «روز پدر»، می گوید: قدیم، روز پدر نبود؛ روز مادر هم نبود. چیزی و پولی نبود. آن زندگی که ما داشتیم و در آن بزرگ شدم کجا و حالا کجا؟! چند کوزه بالاتر، هنوز به صحبت ننشسته ام که پدر خیاط همچنان که بر آستین کت خاستری کوک های شلال می زند، می گوید: برای ما قدیمی ها نه روز پدر بوده است، نه روز مادر. قدیم این ها نبوده است و ما روی همان حساب، نه می دانیم روز پدر و نه روز مادر چیست. حرفش بی حساب نیست؛ می گوید: من که می دانم

نکته

اعتماد به فضای مجازی

هر روز و هر لحظه یک یا چند پیام وار فضای مجازی می شود و دست به دست می چرخد. عده ای در مخالفت و برخی موافق با آن، پیام را منعکس می کنند و پس از آن نظرات و عکس العمل های مختلفی از مخاطبان مشاهده می شود. عده ای بی آن که از صحت و سقم آن مطلع باشند فقط برای تخریب یا موافقت، آن را منعکس می کنند در حالی که گاهی به چند لحظه نمی کشد، عکس العمل یا بازتابی از دیگران ایده می شود که کل آن پیام را زیر سوال می برد و واقعیت آن را شفاف می کند در حالی که فرد منتشر کننده از بار اولیه مثبت یا منفی این پیام بر ذهن مخاطب و امکان سوء استفاده در برخی فرصت طلبان غافل است. عده ای ندانسته و از سر غفلت این پیام ها را منتشر می کنند اما برخی از ابتدا آن مطلب را باهدف تخریب دیگران تولید و بعضی افراد زمینه سوء استفاده عناصری را فراهم می کنند که اهداف شان شبهت است دیگری آنی که در قالب حزب های سیاسی دنبال پنهان گرفتن از حزب مقابل هستند و از تخریب یکدیگر به ملاء عام و تخریب فضای سیاسی اجتماعی ابایی ندارند. قبل از انتشار هر مطلب به صحت و سقم آن اطمینان داشته باشیم.

۳ افتخار برای اعضای کانون پرورش استان

سه نفر از اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان در جشنواره مهرواره ملی «ستاره های بی نشان» خوش درخشیدند. مدیر کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گفت: در بین برگزیدگان بخش هنری مهرواره، هنرجویان کانون استان با نقاشی ها و عکس های خود از مدافعان سلامت و کادر درمان قدر دانی کردند و سه رتبه برتر را در کشور به دست آوردند. «طاهره حمیدی» افزود: مینا فرشاد عضو نوجوان از مرکز بشرویه به عنوان برگزیده و آیسان احمدی عضو نوجوان کانون از قاین و هانا کشتیان عضو نوباوه از مرکز شماره ۳ بیرجند به عنوان شایسته تقدیر انتخاب شدند.

به گفته وی در بخش هنری این مهرواره که در دو قالب نقاشی و عکس برای گروه های سنی نوباوه بالای ۴ سال، نوجوان بالای ۷ سال، نونهال بالای ۹ سال، نونگاه بالای ۱۲ سال و نوجوان بالای ۱۵ سال برگزار شد، ۱۰۶ نقاشی و عکس از اعضای مراکز کانون استان به دبیرخانه مهرواره ملی در تهران ارسال شد.

بچه ام مثل خودم کار گراست و چیزی ندار و اگر با ۱۰۰ هزار تومان هدیه ای بگیرد یا همان پول را در پاکت بگذارد، به زحمت می افتد، راضی نیستم چون می دانم چرا برای او سخت است. بعضی های می گویند گل هم برای الان یک شاخه گل هم که به مفت نمی دهند

دست کم باید ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان خرج کند، خُب این بچه از کجا بیورد؟ گفت وگویی ماسه نقره شده و مشتری آشنایی هم به مغازه آمده است. می گوید: اگر یک صفحه تخم مرغ بگیرند، فکر می کنم بهتر باشد. صاحب دکان هم پاسخ می دهد: بله؛ وقتی روز پدر یا مادر می رسد، همه با هم می آیند، ۱۷- ۱۸ نفر، بالاخره چیزی باید بخورند. مشتری آشنا با صدای رستاری می گوید: خُب همین را اعلام کنید که من نه زیرپوش می خواهم، نه جوراب و نه گل، یک صفحه تخم مرغ یا دو قالب پنیر بگیرد تا شب که می آید، بتوانیم دور هم بخوریم! از تفاوت پدر های امروز و دیروز می پرسم و همچنان که سرگرم کار است، اظهار می کند که آن زمان، پس از اتمام تحصیل، بچه را به دنبال کاری می فرستادند ولی خیلی از بچه های این زمانه، تا انگ ظهیر خواب هستند، کسی حاضر نیست کار کند؛ مثل ما نیستند که پس از شش سال مدرسه، از همان ۱۳ سالگی به همین کار مشغول شده ایم. حرفد که به این جا می رسد، حکایتی از باز دید شاه عباس از بازار مسگر ها را نقل می کند و از لباس درویشی شاه عباس و استاد مسگری می گوید که می گفت: «بزن، بزن که همین»... آخرش می گوید که حکایت ما هم همین و حدود ۶۰ سال است که همین کار را می کنیم ولی تا امروز نیامده اند از من کاسب و امثال من بپرسند که تو با این سن وسال، چرا کار می کنی، حرص می زنی و ؟!... صحبتش

را این طور به پایان می برد که آن شعری که برای خیاط ها گفته اند، درست است که «هر کسی چون کار او دوزندگی است/ مردنش بهتر بُود از زندگی/ هر که تندش دوخت، نان شب نداشت/ هر که کندش دوخت، مرد از گشنگی».

پدری سخت تر شده است

در پیاده روی خیابان شهدا، آهسته تر از دیگران گام برمی دارد، چند قدم همراهش می شوم. می گوید: امروز پدری سخت تر شده است البته قدیم هم ساده نبود و تهیه غذا و خوراک خیلی سخت بود؛ آن روز ها نان گاورس می خورديم، حالا هم با این خشکسالی ها، اگر چاه های عمیق نبود، خیلی ها از بین می رفتند. الان جنس به وفور وجود دارد ولی گران و بار خرید آن روی دوش پدر است. در گذشته پدر ها نمی توانستند مثل امروز برای بچه هایشان از خود گذشتگی و فداکاری کنند، البته نه این که نخواهند بلکه توانشان زیاد نبود. پدر های قدیم ممکن بود به دلیل شرایط سخت اقتصادی مانع درس خواندن فرزندشان شوند؛ ولی حالا حاضرند از لباس نتشان هم بزنند و برای تحصیل بچه ها هزینه کنند. به گفته او با چشم و همچشمی ها، توقع نسل جوان بیشتر شده است هر چند توقع شان به حق است و می توان به آن ها حق داد.

بچه همدر د پدر است

حرف از تورم و گرانی، داغ پدر را تازه می کند ولی می گوید: خدا را شکر، بچه ها هم درک می کنند و توقع ندارند، آن ها به زندگی پدرشان نگاه می کنند و خودشان هم رنج می برند؛ بچه ای که حداقل ۱۶ سال تحصیل کرده، برای که درس خوانده است؟ در دست است که برای آینده خودش؛ ولی پدر باید هزار بدبختی بکشد تا تحصیلاتش تمام شود و بعد از آن هم باید در به در دنبال کار بگردد. روی نیمکت پارک با طره ای موی سفید بر سر و کتی بنفش بر تن نشسته است و با تلفن صحبت می کند اما در همین گفت وگویی تلفنی، ریش سفیدی پدرانه اش معلوم است. برایم می گوید: پدر های امروز با این وضعیت اقتصادی نمی توانند آن طور که باید و شاید به بچه ها کمک کنند ولی قدیم این طور نبود. آن زمان که استخدام شدم، فقط ۱۵ درصد از حقوق برای اجاره خانه خرج می شد یعنی اگر حقوقم هزار تومان بود، ۱۵۰ تومان برای اجاره خانه می پرداختم ولی امروز با این وضعیت اقتصادی، کارمند باید افزون بر حقوقی که می گیرد، مقداری هم از جیب بگذارد. پسرم کارمند است، حقوقی که می گیرد، سه میلیون تومان است و سه میلیون هم اجاره می دهد؛ یعنی اگر من به او کمک نکنم، کارش خیلی گره می خورد و... یک سوی ما جرا پدرانی بودند که می گفتند: پدر خوب، فرزند خوب دارد؛ اگر پدر خراب باشد، فرزند هم خراب می شود؛ «اگر گندم بکاری، گندم درو می کنی، اگر جو بکاری، جوا! خلاصه این که فرزند آینده پدر است.

از برکت کار پدرم، نان می خورم

همه مغازه اش، زیر سه طاق هلالی شکل، چند متری بیشتر نیست و روی زمین، گونی های حیوانات و تخمه و دان پرنده هاست، یک به یک با یقه های برگشته، چشم به دست و جیب مشتری ها دوخته اند. فرو شده، سید کهن سال و دنیاده ای است ولی وقتی از پدرش می گوید، باز هم در کلماتش احترام را نگه می دارد. پدرم استاد بنا بود و مسجد و حمام ... می ساخت، ۶ صبح می رفت تا ۸ شب. آن زمان، نیستم، نه باغی دارم و نه سرمایه ای ولی از همان زحمت های پدرم روزی می خورم؛ چون هر جا کار می کرد، یکی می گفت: «خدا به شما خیر بدهد؛ بچه های شما عاقبت به خیر شوند». یک بار کسی آمده بود و می گفت: ما همیشه دایی شما را «خدا بیامری» می دهیم؛ مسجد ده ما را دایی شما در دست کرده است. حتی اهل سنت هم به خوبی دای می کنند. الان ما از آن جا روزی می خوریم. مرد سید سخنش را این طور ادامه می دهد: آن وقت اگر چیزی هم نبود، زندگی خوب و پشت هر کسی به خودش گرم بود. ولی شما یک روز بپایید و یکی دو ساعت این جا بنشینند تا ببینید مشتری می آید یا آدم می آید که کمک می خواهند؛ جوان وزن می آید که کمک کنید. زمانه بدی شده است و برخی اهل کار نیستند.

زمین تا آسمان، فرق شغل پدر و پسر

کلاف های نخ از قزم شتری تا سفید شیری در قفسه ها چیده شده است و در آخر دران، زیر نوری کم سو پدری با پیراهن و کت و شلوار ی سفید، پشت میز نشسته است، می گوید: در گذشته، اگر پدری کشاورز بود، بچه ها ممکن بود دنبال شغل پدر را بگیرند ولی حالا بچه ها به دنبال تحصیل هستند و حتی می بینند که شغل پسر با شغل پدرش، زمین تا آسمان تفاوت دارد البته این حُسن کار است. برای درس پدری از احساس مسئولیت می گوید و می رانی. پدر در هر موقعیتی به سرپرستی اش فکر می کند تا همسر و فرزندانش در آرامش زندگی کنند. محبت از اصول اساسی اسلام است بنابراین دوست داشتن باید اولین چیزی باشد که در فرزند نهادینه می شود. چند قدم از طرف تر، مردی است روز گار دیده، در آستانه در مغازه اش نشسته است. وقتی می گوید: «این خبر و برکتی که ما داریم از پدر و مادرمان است، بقُضی صدايش را می لرزاند. پدر خودش را به یاد نمی آورد؛ برادرهایش به او گفته اند که اگر باارامی دیدی، آن وقت می فهمیدی چطور بوده است. همچنان که خدا حافظی می کنم، می گوید: قدر پدر و مادرت را بدان و همچنان که دور می شوم، باز می گوید: احترام پدر و مادر، یادت رود!

یادداشت



غلامرضا بنی اسدی

پدر را به تقدیس تحریر کنیم

پدر، حلاوت آب است و کلمه آفتاب. چراغ روشن امروز و فردا است و روایت زلال سرزمین طور. کفش از پای کشد و وضو باید کند و وضو باید داد حروف را وقتی به سبنايی نام پدر می رسند.

وقتی خداوند به آیات مکرر، احسان در حق او را در کنار وحدانیت خویش قرار می دهد. جلوه ای ناب از "ارنی" را می توان فهمید از این همنشینی، بی آن که نهیب "لن ترانی" در زمین وزمان بپیچد. نیکی در حق پدر را خداوند در کنار نفی شرک قرار داده است تا توحید باوران را تکلیفی دیگر تحریر شود به نام مقام علمای پدر. شأنی چنین که تحریر و تقدیس شد، رسول خدا(ص) و مقام اعظم ولایت علوی هم تعریفی نمی شوند برای "پدر". در حدیثی جهان شمول و ناظر به همه عصر ها و نسل ها که: من و علی پدران این امت هستیم.

این مقام نبوت و ولایت است که برای همگان پدر می شود تا بفهمیم که

حکایت پدر، فقط تفاوت چند تقویم نیست که بیشتر ورق زده بلکه تقدیر عارفانه زادن است که فضل خدا را معنا می شود. زیبا می گوید مولوی

شرح این حقیقت را که: من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بند گای جودی کنم....

و پدر، مظهر تجلی خلق و نماد جود خداوند است. او را باید قدر نهاد.

دستانش را باید بوسید نه فقط به حرمت ترک هایی که بر آن نشسته است

بلکه به احترام کلام خدا. پدر، با شأن پدری واجب الاحترام است و چه بسا

دستانش هرگز ترک بر ندارد که زندگی امروز، ترک های کویر را هم به تدبیر

می پوشاند و دستان بسیاری از پدر ها هرگز ترک بر نداشته است اما ترد و

شکندنه تر هم می شوند اما با همه این وضعی که در جانشان، سفره باز

می کند هر گاه خطری را احساس کنند نه تنها به برو بازوی جوان فرزند

پناه نمی برند که تا می توانند قدر است می کنند تا پناه فرزند باشند. تیر

و تیغ را به جان خویش رواتر دارند تا خاری که در پای فرزند بخلد. پشت

شان هم اگر خمیده باشد به وقت لزوم، کوه می شوند پشت فرزند خویش

و چنان قدرتی به او می بخشند که ناممکن ها را هم ممکن می کند. به

همین دلیل است که چون سر بر بالین مرگ می نهند، فرزند آن یک دفعه

دنیا را خالی می بینند و جای کوه، چون دره برای شان دهان می گشاید.

باری، پدر چنین است و بزرگ تر از او، امام است که برای امت، شأنی

پدری دارد. نامش هم چنان قوتی به بازو ها می دهد که خاکریز شکن می

شود به لیل جها. صحیفه نورانی دفاع مقدس ما خود کتاب گویای این

شأن پدری است....

درخشش دار القرآن قاینات

دار القرآن آموزش و پرورش قاین به عنوان مرکز برتر کشوری به برگزیده شد. مدیر آموزش و پرورش قاینات گفت: این مرکز در برگزاری همایش مجازی مدیران مراکز دارالقرآن های کشور به عنوان مرکز برتر برگزیده شده است. سید احمد لاهی، افزود: در این همایش ۸۲۵ مرکز دارالقرآن از سراسر کشور شرکت کردند.

شناسه آگهی ۱۱۰۰۰۲۱

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی «آگهی مزایده – نوبت سوم»

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی در نظر دارد به استناد ماده ۵ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (شماره ۲) و ماده ۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری نسبت به واگذاری سالن های آمفی تئاتر و مجتمع های فرهنگی و هنری اداره کل و ادارات تابعه در سطح استان از طریق مزایده عمومی و از طریق سامانه تدارکات دولت به آدرس **www.setadiran.ir** به شماره فراخوان **۰۵۹۹۰۰۰۱۸۹۰۰۰۰۳** و با شرایط اعلام شده به شرح جدول ذیل به صورت اجاره به مدت یکسال به اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی دارای صلاحیت فنی و اخلاقی لازم و دارای مجوز فعالیت از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بشرح ذیل اقدام نماید :

– واگذاری مراکز ردیفهای ۱ الی ۶ حداقل بر پایه اجاره بهای تعیین شده توسط کارشناسان رسمی دادگستری به علاوه پرداخت هزینه های آب ، برق ، تلفن و گاز مصرفی و سایر هزینه های مرتبط با قرارداد خواهد بود .

– مبلغ سپرده شرکت در مزایده برای هر یک از موارد ردیفهای ۱ الی ۶ جدول ذیل معادل پنج درصد (۵٪) مبلغ اجاره تعیین شده توسط کارشناس رسمی دادگستری می باشد که می بایست بصورت « ضمانتنامه بانکی شرکت در مزایده » در وجه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی با اعتبار ۳ ماه تهیه و به همراه اسناد مزایده تحویل گردد .

– هزینه آگهی روزنامه بابت مزایده بر عهده برنده مزایده می باشد . ضمناً برنده مزایده ملزم است در مرحله عقد قرارداد اجاره معادل سه (۳) برابر مبلغ پیشنهادی اجاره بعلاوه هزینه های مصرفی حامل های انرژی سالانه بعلاوه اموال منقول و غیر منقول برای هر مورد را به صورت ضمانت نامه بانکی / سفته به عنوان تضمین حسن اجرای قرارداد به اداره کل تسلیم نماید .

– اداره کل در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات در چهارچوب قوانین و مقررات مختار است و در صورت مساوی ، اولویت با انجمن ها ، کانونها ، آموزشگاههای آزاد هنری و سینمایی و مؤسسات فرهنگی و هنری دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد بود .

– متقاضیان شرکت در مزایده می توانند از تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ لغایت ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ نسبت به تکمیل اسناد مزایده اقدام نمایند .

– داوطلبین برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت فرم به امور مالی اداره کل و یا پایگاه اینترنتی زیر مراجعه نموده و پس از بازدید از محل های مذکور در ساعات اداری ، پیشنهاد خود را حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ به همراه اصل ضمانتنامه بانکی معتبر در پاکت سرپسته و مهر شده به دبیرخانه اداره کل تحویل نمایند .

– جلسه بازگشایی پاکتها ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ به آدرس : بیرجند – خیابان شهید محلاتی – حد فاصل توحید و مدرس – اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی – طبقه دوم – سالن کنفرانس برگزار خواهد گردید .

– **نشانی سامانه ستاد ایران : SETADIRAN.IR**

ردیف	عنوان محل	شهرستان	قیمت پایه برای یکسال (ریال)	مدیریت پیمان	نوع تعین اجاره
۱	سالن اجتماعات گلپتگ بیرجند	بیرجند	۸۴/۰۰۰/۰۰۰	-	سالانه
۲	نگارخانه (پلاتو) خانه فرهنگ بیرجند	بیرجند	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	-	سالانه
۳	مجتمع فرهنگی و هنری شهید آوینی فردوس	فردوس	۱۱۴/۰۰۰/۰۰۰	-	سالانه
۴	مجتمع فرهنگی و هنری ارشاد قاین (صرفاً سالن)	قاین	۷۸/۰۰۰/۰۰۰	-	سالانه
۵	سالن آمفی تئاتر استاد فرزین سرپیشه	سرپیشه	۳۸/۴۰۰/۰۰۰	-	سالانه
۶	سالن مجتمع فرهنگی و هنری نور نهبندان	نهبندان	۷۸/۰۰۰/۰۰۰	-	سالانه

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی